

سبک و درون‌مایه شعر منوچهری

ابوالقاسم رادفر

ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد المنوچهری دامغانی که عوفی او را شاعری "اندک عمر و بسیار فضل" یاد کرده، در حدود اواخر قرن چهارم یا سالهای نخستین قرن پنجم دیده به جهان گشود. تاریخ فوت او را ۴۳۲ هـ. ق نوشته‌اند. عنوان شعری منوچهری گویا از نام منوچهر بن قابوس و شمشگیر گرفته شده که در گرگان و طبرستان، در زمان محمود و مسعود غزنوی حکومت می‌کرده است. «دیوان او شامل ۵۷ قصیده، ۱۱ مسمط، ۲۰ قطعه و تعدادی سروده‌های کوتاه است. او نخستین و یگانه مداح کهن دوران غزنویان است که خاورشناسان آثارش را با دقت مورد توجه قرار داده‌اند. دیوان او در سال ۱۹۱۹ در اروپا انتشار یافت.»

با اینکه نسخه‌های دیوانش چندان فراوان نیست، لکن A. De Biberstein Kazimirski آن را ترجمه‌ای کامل و مقدمه‌ای تاریخی و توضیحات بسیار مفید در پاریس به طبع رسانیده است.»

سبک و شیوه منوچهری تا حدودی با اسلوب شاعران خراسان دوره او متفاوت است. «از بعضی جهات او رامی توان پیشاهنگ شاعران عراق شمرد. آزادی در استعمال لغتها و ترکیبهای تازی و اصرار در آوردن تشبیهات تازه، به اسلوب او صبغه تجدد می‌بخشد. ذوق و زبان فرخی که سادگی بیان دهقانان خراسان را به یاد می‌آورد در زبان او نیست. آن استواری و جافتادگی سخن عنصری را نیز که منطبق و علم آن را ورزیده است فاقد است. زبانی شیرین اما درشت و ناهموار است و رایحه فضل فروشی از آن شنیده می‌شود. مثل یک "مائده آسمانی" شیرین و اعجاز‌آمیز اما

۱۴ - دیوان منوچهری دامغانی (پیش گفته)، ص ۱۷۴.

۱۵ - سید محمود طالقانی، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۴۸

شمسی، قسمت دوم از مجلد آخر (جزء سی ام)، ص ۳۱۹.

۱۶ - دیوان منوچهری دامغانی، ص ۱-۲.

۱۷ - دیوان منوچهری دامغانی، ص ۱۶۴.

۱۸ - همانجا، ص ۱۹۴.

۱۹ - همانجا، ص ۱۹۶.

۲۰ - همانجا، ص ۱۸۳.

۲۱ - احمد سمیعی، کلام و پیام حافظ (پیش گفته)، ص ۴۲.

۲۲ - تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید (پیش گفته)، ج ۱، ص ۷۵.

۲۳ - دیوان منوچهری دامغانی، ص ۱۸۴.

۲۴ - دیوان منوچهری دامغانی، ص ۱۹۰.

۲۵ - همان جا، ص ۱۶۱.

۲۶ - همان جا، ص ۱۸۶.

سخت و وحشی است...»

استاد فروزانفر هم درباره شعر منوچهری می‌نویسد: «منوچهری شاعری جوان‌فکر و برناطیع، سبک شعری او طرب و شادمانی مخصوصی جلوه‌گر می‌سازد. پای می‌کوبد و دست افشانند و می‌خوانند و می‌نوازند. در تمام دیوانش که نزدیک به سه هزار بیت است یک لفظ اندوهگین و یک عبارت غمناک نیست همه بشاش و خرمند و این در طریقه پیرو عبدالله بن المعتز عباسی است ... طبعش ورزش علمی ندیده، افکار و خیالات عمیق ندارد. حشوهای ناپسند، عبارات سست، جمل غیرمتناسب در شعر او بسیار و بعضی فقط عبات موزون و کلمات منظوم و خلاصه الفاظش از معانی بیشتر است.»

حال ویژگی‌های عمده سبک منوچهری را تحت سه عنوان :

الف - نشانه‌های کهنگی ب - صنایع بدیعی ج - معانی شعری
به اختصار بیان می‌کنیم.

الف - نشانه‌های کهنگی

۱- استعمال کجا به معنی "که":

۲- ایدون: خواجه به سان غضنفری کجا هست

۳- ابا: نخوریم انده گیتی که بسی فایده نیست

۴- الف اطلاق: بریدم شب تیره و روز روشن

منوچهری را قصیده‌ای است با مطلع:

نوبهار آمد و آورد گل و یاسمن

در تمام بیت‌های این قصیده الف اطلاق آمده است.

اگر ایدون که بریم انده او در نبریم

ابا رنج بسیار و بس ناتوانی

باغ هم چون تبت و راغ به سان عدنا

۵- آوردن واو عطف در آغاز بیت یا مصراع دوم آن:

الا نسا باد نوروزی بسیار اید گلستان را و بلبل را به شب گیران خروش آید بر اوراقش

۶- حذف فعل یا رابطه به قرینه:

خرقان به نزد عامه مردم بود بزرگ لیکن بزرگ‌تر به بر مردم بصیر

۷- خروج از وزن عروضی:

در شعر منوچهری همانند دیگر شاعران این روزگار مواردی یافت می‌شود که شاعر در مصراع‌های حرفی یا حرکتی بیش از وزن اصلی شعر آورده است که این امر در شاعران توانای دوره بعد خاصه شعرای عراق و پیروان سبک عراقی کاملاً از بین رفته است مانند:

با همه زیرکی و رندی و کاردانی نخل این کار بر آورد پشیمانی

۸- اشباع حرکت‌ها:

نارنج چو دو کفه سیمین ترازو هر دو ز زر سرخ طلا کرده برون سو

آگنده به کافور و گلاب خوش و لولو و آنگاه یکی زرگرک زیرک جادو

باغ زر به هم نهاده لب هر دو رویش به سر سوزن بر آژده هموار

۹- تبدیل حرکت بلند به کوتاه:

دیر است ناخریده و مشک است رایگان هر چند برفشانی و هر چند برچنی

۱۰- حذف حرکت:

وگر استیزه کنی با تو بر آیم من روز روشنت ستاره بنمایم من

۱۱- حذف یک یا چند حرف:

نه ستم رفته به من زو و نه تلبیسی که مرا رشته نتاند تافت ابلبسی

۱۲- استعمال کلمات با حرفهای زاید:

الف - کلمات مصدر به همزه:

هم حق شناس باشد، هم حق‌گذار باشد هم دریدی ز نیکی اسپاس‌دار باشد

ب - قلب حرفهای کلمه:

تا طرب و مطرب است، مشرق و تا مغرب است تا یمن و یثرب است، آمل و استادباد
ج - بدل کردن حرفی به حرف دیگر یا افزودن حرفی به کلمه:

من نیازومند تو گشتم و هر کوشد چنین عاشق ناز تو می‌زیدش هر گونه نیاز
۱۴ - تخفیف مشدد:

نخرند کاغذ ازین بیش‌تر نه کاغذ فروشان نه کاغذ خرا
شود کاغذ تازه و تر خشک چو خورشید لختی بتابد بر آن
۱۵ - برگزیدن بحرهای نامأنوس:
منوچهری در قصیده‌ای به مطلع:

فغان از این غراب بین و وای او که در نوا فکندمان نوای او
یا: سبحان الله جهان نبینی چون شد دیگرگون باغ و راغ دیگرگون شد
یا به جهت تفتن یا به علت اینکه شعرها را با نوای ساز می‌خواندند یا به دلایل دیگر
همچون دیگر شاعران سبک خراسانی از بحرهای غریب استفاده کرده است.
۱۶ - اشاره به افسانه‌های حماسی و ملی و داستانهای باستانی و قهرمانان آن:
مانند:

شی چون چاه بیژن تنگ و تاریک چو بیژن در میان چاه او من
ثریا چون منیژه بر لب چاه دو چشم من بر او چون چشم بیژن
۱۷ - اشاره به گاه‌شماری، جشن‌ها، آداب و رسوم ایران پیش از اسلام:

رسم بهمن گیر و از نو تازه کن بهمنجنه فرخت باد اورمزد و بهمن و بهمنجنه
۱۸ - مطابقه صفت و موصوف و مسند و مسندالیه:

بسی خواهرانند بر راه رز سیه موزگان و سمن چادران
در و بام و دیوار آن کارگاه چنان زنگیانند کاغذ گران
مر این زنگیان را چه کار اوفتاد که کاغذ گرانند و کاغذ خران

۱۹ - استعمال یا‌های تردیدی و شرطی و مطیعی و استمراری و...:

گر به پیری دانش بدگوه‌ران افزون شدی رو به‌تر نیستی هر روز ابلیس لعین
۲۰ - استعمال مضارع به جای ماضی:

گر به پیری دانش بدگوه‌ران افزون شدی رو به‌تر نیستی هر روز ابلیس لعین

در بخش صنایع بدیعی مواردی چون ارسال‌المثل، تمثیل، تشبیه، مراعات‌النظیر، ترصیع، متضاد، تنسیق صفات، لَف و نشر، جمع و تقسیم، انواع جناس، ردالعجز، علی‌الصدر، عکس، موقوف‌المعانی، لغز، ردالقافیة، استفاده از آیات قرآنی، احادیث، اشاره به ادبیات عرب، اصطلاحات علمی مورد بحث قرار گرفته است. در بخش معانی شعری به مضامینی چون مدح، هزل و هجو، غزل، بند و اندرز و حکمت، توصیف استقبال شاعران دیگر از شعر منوچهری، صور خیال پرداخته و سپس به مسبّط‌سازی منوچهری توجّه شده است.

خلاصه اینکه منوچهری شاعری است صیاد لحظات و آفات و از هر فرصتی جهت شادی‌کردن و سرور بهره می‌گیرد و با بهره‌گیری از عناصر کلامی و آرایه‌های ادبی زیبا و بجا تصویرگر دنیای خاص خود است. دنیایی سرشار از شادی و به دور از هر گونه ناکامی و غم، او شاعر گل و گیاه است.

طبیعت‌نگری طبیعت‌نگار، شاعری اهل ذوق و حافظه‌ای قوی که با استفاده از تشبیهات زیبا و توصیفات دقیق به پدیده‌های طبیعت جان می‌دهد و تصاویر زنده و پویا می‌آفریند.

از این رو است که عنوان "معمار بازآفرینی طبیعت" زیننده نام اوست.